



شعر و شاعران

شناخت‌نامه‌ی محمد قهرمان؛ پژوهش و نگارش رضا افضلی، مشهد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی خراسان رضوی، ۱۳۸۴. «دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی در روزهای پایانی آذرماه ۱۳۸۴ برای استاد محمد قهرمان، شاعر و ادیب برجسته‌ی خراسانی، مجلس بزرگداشتی برگزار کرد. در این مراسم دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، قهرمان را برترین شاعر معاصر در عرصه‌ی شعر محلی خراسانی خواند...» (نقل از ماهنامه‌ی حافظ، شماره‌ی ۲۲)

پیش از این، خبر برگزاری این بزرگداشت، توسط دوست قدیمی‌ام، شاعر مشهدی، استاد رضا افضلی تلفنی به من ابلاغ شده بود تا در صورت امکان در آن حضور داشته باشم. به مناسبت این مراسم بزرگداشت کتابی با نام **شناخت‌نامه‌ی محمد قهرمان** انتشار یافت که همین دوست ارجمندم آن را تدوین و تألیف کرده بودند. در این اثر رضا افضلی ابتدا از سابقه‌ی آشنایی و همکاری‌اش با محمد قهرمان در کتابخانه‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه فردوسی، مفصلاً به سخن پرداخته و در بخش دیگر از زندگی‌نامه‌ی محمد قهرمان نوشته است. در بخش‌های دیگر این کتاب به ترتیب از ارتباط محمد قهرمان با شعر نو، غزل، شعر به لهجه‌ی تربتی، طنزپردازی، ترانه‌سازی و پژوهش‌های ادبی به تحقیق و تفحص پرداخته است. یکی از بخش‌های آموزنده و جالب و در عین حال مفصل این کتاب توصیف منزل استاد محمد قهرمان است که علی‌رغم تغییرات و نقل مکان‌های متعدد و پیوسته در طول چندین دهه میعادگاه شاعران بوده است که چه بسا حتی از شهرهای دور و نزدیک نیز در هر سه‌شنبه‌ی هفته به این خانه می‌آمدند و شعرهای خود را برای هم‌دیگر می‌خواندند و از دیگران نقد و راهنمایی می‌شدند.

لازم به‌ذکر است که این شعر خواندن‌های هفتگی تا امروز نیز ادامه دارد. در این بخش مهم از مسافرت‌های نگارنده‌ی کتاب با محمدقهرمان به شهرهای دور و نزدیک نیز اشارات بسیاری رفته است که حائز اطلاعات و آگاهی‌های خاصی برای خواننده است که در نوع خود از ارزش و اعتبار درخوری نیز برخوردار است. این نکته را باید در این‌جا یادآوری کرد که اغلب شاعران خراسانی همواره از دیرباز تعلق خاطر فراوانی به گیلان و شاعران آن داشته‌اند. استاد شفیعی کدکنی چند بار به لاهیجان مسافرت کردند و هر بار با استقبال صمیمانه‌ی شاعران این شهر روبه‌رو شده‌اند. محمدباقر کلاهی اهری چند شعر با عنوان گیلانی‌ها دارند؛ آقای رضا افضلی از سال‌های دور تاکنون روزهایی چند از هر سال را در لاهیجان می‌گذرانده‌اند و من که سال‌هایی مدید را (از سال ۱۳۵۰ الی ۱۳۵۶) به‌طور مداوم در خراسان و میهمان شاعران آن بوده‌ام، اغلب این سفرها را توفیق میزبانی داشته‌ام. آقای افضلی در این بخش از مسافرت مشترک خود با استاد محمد قهرمان و تقی خاوری به استان گیلان در مردادماه سال ۱۳۶۵ که منجر به دیدار و آشنایی با شاعران شرق و غرب گیلان شد، چنین می‌نویسد «در سفری دیگر به مازندران به‌طرف گیلان حرکت کردیم یک شب در لیلستان و در منزل محسن بافکر لیالستانی ماندیم، قبلاً هر وقت من به گیلان می‌رفتم، محسن بافکر شاعران بسیاری را خبر می‌کرد، این دفعه که شاعران اطلاع یافته بودند، استاد محمد قهرمان و تقی خاوری نیز همراه من اند از شهرهای دور و نزدیک به روستای سرسبز لیالستان آمدند و در شب شعر منزل بافکر شرکت کردند با

حافظ از ناشران، نویسندگان و علاقه‌مندانی که بخواهند کتاب‌هایشان در بخش تازه‌های کتاب معرفی شود دعوت می‌کند که دو نسخه از کتاب مورد علاقه‌ی خود را به نشانی «تهران - تقاطع فلسطین و انقلاب ساختمان مهر - شماره‌ی ۲ - کدپستی ۱۴۱۶۸ - دفتر ماهنامه‌ی حافظ» ارسال نمایند.

مهندس حجت‌حیدری

کلیات، فرهنگ‌ها

فرهنگ اصطلاحات نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی؛ دکتر ابوالفضل مصطفی، چاپ دوم، جلد زرکوب، ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تدوین مجموعه‌ی کاملی شامل تمام جهات و جوانب فرهنگ و معارف ایرانی و کیفیت ظهور و تکامل تمدن و نشیب و فراز حیات قومی در میهن باستانی ما و روشن‌ساختن زوایای تاریخ این سرزمین کهنسال آرزوی هر ایرانی و آرمان دوستداران ایران به‌شمار می‌رود. کسانی که با ادب پارسی و متون نظم و نثر مربوط به این ادب عملاً آشنایی نزدیک دارند، به‌خوبی می‌دانند که شعر و ادب پارسی تنها گنجینه‌ی بی‌انتهای مفاهیم و ابداعات و توصیفات کم‌نظیر در خصوص جنبه‌های کمی و کیفی زندگی نیست، بلکه بخش بزرگی از این گنجینه را، به‌همین علت، انعکاس دانش‌های کهن که علم نجوم در شمار قدیمی‌ترین آن‌هاست، به‌خود اختصاص داده است و با تعمق در متون ادبی، بویژه متن‌های شعری، درمی‌یابیم که این علم، با بسیاری از مسائل و معماهای خود، در دوره‌های معینی بیش‌تر و در ادوار دیگر کم‌تر، شعر و هم‌چنین نثر پارسی را میدان ظهور و بروز خود ساخته است.

به‌نحوی که فهم بسیاری از اجزاء این متون، در بیش‌تر ادوار، بدون آشنایی قبلی با مصطلحات نجومی، بویژه نجوم احکامی، دشوار به‌نظر می‌آید.

مؤلف کوشیده است تا جایی که مقدور بوده، اصطلاحات نجومی و قدیمی را که در ادبیات ایران استعمال شده است، همراه با واژه‌ها و استعارات و تعبیرات مربوط در شعر پارسی گردآوری بکند و فهراس متعددی که در پایان کتاب ترتیب داده بر ارزش فرهنگ می‌افزاید.

(فرستنده: بیژن تلیانی)



حضور شاعران غزل سرا و نوپرداز تا نیمه شب شعرخوانی ادامه یافت...» ص ۱۴۸.

کتاب **شناخت نامه‌ی محمد قهرمان** با چند غزل از استاد ادامه یافته و سرانجام با کتاب نامه و چند تصویر و فهرست اعلام پایان می‌یابد. خواندن این کتاب را که نگارنده‌ی زحمتکش و فاضل آن، آقای رضا افضلی آن را به شاعران، ادیبان و هنرمندان و هنرمندان ایران تقدیم داشته است، به همه‌ی شاعران، ادیبان و هنرمندان ایران و نیز دوستداران عرصه‌ی هنر و ادبیات توصیه می‌کنیم.

(فرستنده: محسن بافکر لیلستانی، لاهیجان)

سلام بر حیدربابا؛ محمدحسین شهریار، برگردان به شعر فارسی از فریدون نوپهار، تهران، ناشر مولف، ۱۳۸۴، ۹۷ ص.

نمونه‌ی ترجمه‌ی منظوم:

حیدربابا! وقتی که رعد و برق خیزند،
غرش کنان سیلاب از کهسار ریزند،
گل دخترانت زیرباران می‌گریزند،

بر آن شکوه و شوکت از من سلامی

باشد که از من آوری بر لب تو نامی

تا کبک‌هایت شادمان پرواز کردند،

خرگوش‌ها آهنگ صحرا ساز کردند،

گل‌های باغت غنچه‌هاشان باز کردند،

گر می‌توانی یاد من کن یاد من کن

یادی ز روح خسته‌ی ناشاد من کن

باد بهاری تا به هم ریزد چپرها،

گل‌های بیخ، نوروز، سرزد در گذرها،

ابری چلانند پیرهن بالای سرها،

گو شادباش! هر کس کند یاد من ای کوه

من نیز کوهی گشته‌ام از درد و اندوه

حیدر بابایه سلام؛ استاد شهریار، ترجمه‌ی منظوم گیلکی از

سیامک سلیمانی روشن، با مقدمه‌ی دکتر حسین محمدزاده صدیق و

دکتر محمدرضا کریمی، زنجان، انتشارات عود، ۱۳۸۴، ۹۹ ص.

نمونه‌ی شعر گیلکی:

حیدربابا برق که زنه آسمون / روخونه آب را ذکه شور شور کنون /

ردیف هیس اون / نیانون لاکون / شیمه شکوه و دودمونه سلام /

می‌نام بوگین شومو هم یک کلام

حیدربابا زرجن پیرتن / بور گوده بون خرگوش دوه سریتن / باغ و

بولاغ تیتنه خو ور ورتین / اگر وکت از آمو هم یاد بکون / تنگ دیله

یخورده تو شاد بکون.

سیامک سلیمانی روشن (متولد ۱۳۵۶ در روستای روشناسر از

توابع شهرستان رودسر گیلان) دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات

دانشگاه آزاد زنجان است.

شهر سپیده (کلیات اشعار فارسی)؛ محمدرضا ملک‌پور (ناظر

شرفخانه‌ای)، قم، انتشارات بخشایش، ۱۳۸۴، ۳۶۰ ص. نمونه‌ی شعر:

دل به سیلاب زدم تا ببرد آب مرا / مرد آبم، نسزد بستر مرداب مرا /

تپش قلب من از خاطر دریا نرود / هرچه با طعمه بدوزند به قلاب مرا.

جویبار جاری جنون (مجموعه‌ی شعر)؛ رحمانیان حقیقی،

انتشارات نیم‌نگاه، تهران، ۱۳۸۲، ۱۲۰ ص.

نمونه‌ی شعر: با داغ آتشی که در سینه‌ی من است / با سوز

نیایشی که در دست‌های تو هست / ترانه‌های عاشقانه خواهیم ساخت

/ عاشقانه‌های شبانه خواهیم نواخت / باد نیستیم که به هر جانب وزیم

/ پروانه نیستیم که در پیله‌های تنهایی خویش تنیم / ما توالی قبایل

خورشیده‌های به خاکستر نشسته‌ایم / ما نسل تلاقی سیاره‌ها و

ستارگان کهکشان‌های ذوب شده‌ایم.

از زبان زخم‌ها؛ محمدرضا رستم‌پور، انتشارات دفتر شعر جوان،

تهران، ۱۳۸۳، ۸۹ ص.

نمونه‌ی شعر: از همین خانه که حالا گله برمی‌خیزد / لحظه‌ی

آمدنت هلهله برمی‌خیزد / شوق پیوستنمان ریشه گرفته است چه پاک

/ اگر این سان تبر فاصله برمی‌خیزد / معجزه نیست، فقط زورق تو دیده

شده است / رو به دریا اگر این اسکله برمی‌خیزد / بی‌گمان بوی حضور

تو به ذهنم خورده است...

عرفان و دین

عرشیان؛ جعفر شهیدی، انتشارات شعر، تهران، ۱۳۸۲، ۱۲۰

ص. مومنان گرچه با حج آشنایی دیرینه دارند و هر سال با حضور

شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدنید و با

حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ

ما، مشحون از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد

بی‌شماری از این فریضه‌ی مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

دریغا عشق که شد و باز نیامد (فرا روایتی از زمینه‌های

شکل‌گیری فاجعه‌ی کربلا)؛ محمد قراگوزلو، انتشارات دانشگاه آزاد

اسلامی قزوین، قزوین، ۱۳۷۸، ۶۰ ص.

حالات عشق پاک (چهار رساله درباره‌ی حالات عشق پاک در

شعر و اندیشه‌ی حافظ و اکابر عرفان اسلامی)؛ محمد قراگوزلو،

ناشر مولف، تهران، ۱۳۷۸، ۱۵۲ ص.

داستان

در سوگ آرزوها (مجموعه‌ی داستان)؛ زهره ابوقداره، انتشارات

واژآفرین، شیراز، ۱۳۸۲، ۹۶ ص.

اثر صحبت پاک؛ فیروزه خلیلی یزدی، انتشارات گوهرشاد،

مشهد، ۱۳۸۰، ۱۱۲ ص. از مقدمه:

آن چه می‌خوانید اگر خارج از روال نگارش‌های دیگر است، به این

موضوع بازمی‌گردد که من فقط خواسته‌ام، افکار و احساساتم را به قلم

آورم و خدا می‌داند چه سخت است با زبان سر، شرح زبان دل گفتن: از

ده‌سالگی نوشتن را آغاز کردم و خیلی دیر به فکر چاپ آن افتادم. این

کتاب بخشی از نوشته‌های من از نیمه‌های دوران دبیرستان تا سال‌های

پایان دانشکده است. هدف من صحبت با تمام و یا بخشی از مردم است

اما از هر قشری، در هر سطحی و در هر جایگاه فکری که هستند.

نشریات

نامه‌ی انجمن، (فصل‌نامه‌ی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)،

سال پنجم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۳۸۴، مدیر مسوول: محمدرضا

نصیری، سردبیر: توفیق هـ. سبحانی، ۲۳۳ ص.